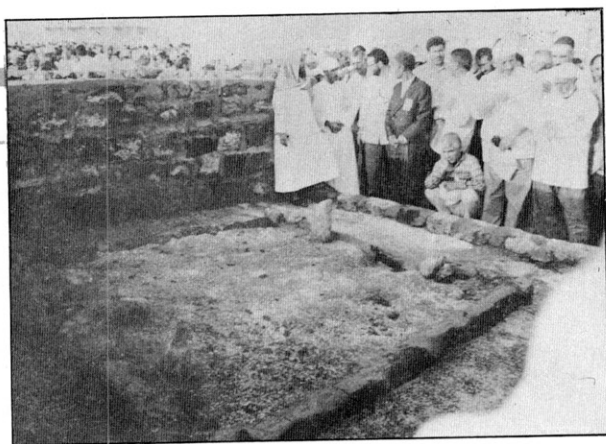


# امکان و آثار



# حرم همسران و دختران رسول خدا

محمد صادق نجمی



## حرم همسران رسول خدا - ص -

یکی از حرمها و گنبد و بارگاههایی که در داخل بقیع به وسیلهٔ وهابیان تخریب گردیده، حرمی است منتسب به همسران رسول خدا - ص - گرچه متأسفانه جزئیات چندانی از کیفیت این حرم در دست نیست ولی تاریخ بنای آن معلوم و مشخص است؛ زیرا سمهودی (متوفای ۹۱۱) پس از این که از مطری (متوفای ۷۴۱) نقل می‌کند که این حرم در زمان وی دارای ساختمان نبوده بلکه محوطه‌ای بوده که با دیواری از قطعات سنگ، از سایر بقاع مشخص می‌گردیده است، تاریخ بنای این گنبد و بارگاه را معین و بانی آن را نیز معرفی



می‌نماید. و می‌گوید: «وكان حظيراً مبنياً بالحجارة كما ذكره المطري فابتنى عليه قبة الأمير برديبك المعمار سنة ثلاث و خمسين و ثمانمائة.»<sup>۱</sup>

بنابراین، حرم همسران رسول خدا از سال ۸۵۳۰ دارای ساختمان، گنبد و بارگاه بوده است و بنا بر نقل بعضی از نویسندگان، این حرم علاوه بر ساختمان و گنبد و بارگاه در قرنهای اخیر، دارای ضریح هم بوده است از جمله: مرحوم فرهاد میرزا می‌نویسد: «... از آنجا به زیارت زوجات حضرت رسول - علیه‌السلام - رفتم. هشت نفر در یک ضریح است و اسامی هر یک را بالای قبرشان به تخته نوشته، گذاشته‌اند.»<sup>۲</sup>

### تعداد مدفونین در این حرم

دیار بکری (متوفای ۹۸۲) از مناسک کرمانی (متوفای ۷۸۶)<sup>۳</sup> نقل می‌کند که در این حرم، چهار تن از همسران رسول خدا دفن شده‌اند.<sup>۴</sup>

ابن نجار (متوفای ۶۴۳) که یکی از مورد اعتمادترین مدینه‌شناسان بشمار می‌آید، در مورد قبر همسران پیامبر چنین می‌گوید:

«و قبور ازواج النبی و هنّ أربعة قبور ظاهرة و لا يعلم تحقیق ما فیها منهن.»<sup>۵</sup>

«و از قبور معروف در بقیع قبور همسران پیامبر است که تنها چهار قبر از آنها بچشم می‌خورد ولی تحقیقاً معلوم نیست که این قبور چهارگانه به کدام یک از همسران آن حضرت متعلق است و کدام یک از این بانوان در آنها مدفون می‌باشند.»

گفتار ابن نجار صریح است در این که در زمان وی و در اوائل قرن هفتم، تنها چهار قبر در این محل وجود داشته است و اگر احیاناً مطلب خاص دیگری غیر از این بود، مسلماً از نظر وی مخفی نمی‌ماند و بدون تصریح و یا اشاره به آن وارد بحث دیگری نمی‌گردید.

ولی از گفتار سمهودی معلوم می‌شود که در زمان او؛ یعنی در اوائل قرن دهم با این که این حرم دارای سقف و گنبد بوده و بعنوان مدفن همسران پیامبر شناخته می‌شده، اما آثار این قبور بطور کلی محو و در این محل از آن چهار قبری که ابن نجار یاد می‌کند، خبری نبوده است؛ زیرا وی پس از آن که گفتار قبلی ابن نجار را که آوردیم نقل می‌کند، چنین می‌گوید:

«قلت باطن هذا المشهد کله أرض مستویة لیس فیها علامة قبور.»<sup>۶</sup>

«داخل این حرم مسطح است و در آن هیچ علامت از قبوری که ابن نجار به آنها اشاره نموده است، به چشم نمی‌خورد.»

### گفتاری از ابن شبه قدیمی ترین مدینه شناس

ابن شبه (متوفای ۲۶۲) در مورد قبر امّ سلمه و امّ حبیبه دو تن از همسران رسول خدا - ص - مطلبی نقل می‌کند که نشانگر جدا بودن آنان از همدیگر و همچنین دفن شدن این دو تن در خارج از محلی است که بعنوان مدفن و حرم زوجات رسول خدا معروف گردیده است و در نهایت مؤید گفتار ابن نجار است که همه همسران پیامبر که در مدینه بودند، الزاماً در محوطه حرم منسوب به آنان و در زیر گنبد و بارگاهی که بعنوان «قبة الزوجات» بنا شده است به خاک سپرده نشده‌اند.

ابن شبه در مورد قبر امّ سلمه از محمد بن یحیی نقل می‌کند که محمد بن زید بن علی خواست در کنار موضع فاطمه (بیت الاحزان) برای خود قبری مهیّا کند، از زیر خاک، قطعه سنگ شکسته‌ای پیدا شد که در آن این جمله به چشم می‌خورد: «امّ سلمة زوج النبی» و معلوم شد آن محل قبر امّ سلمه است و لذا وصیت نمود پیکر او را در محل دیگری به خاک بسپارند.<sup>۷</sup> و در مورد امّ حبیبه از یزید بن سائب و او از جدش چنین نقل نموده است که: عقیل ابن ابیطالب در محوطه خانه‌اش حلقه چاهی حفر می‌کرد که قطعه سنگی بدست آمد و در آن این جمله حک شده بود: «قبر امّ حبیبه بنت صخر بن حرب». عقیل با دیدن این علامت دستور داد چاه را پرکنند و بر روی آن سقفی بعنوان «مدفن امّ حبیبه» ایجاد نمایند. یزید بن سائب اضافه می‌کند: «من گاهی به این مدفن وارد می‌شدم و آن قبر را می‌دیدم.»<sup>۸</sup>

### نظر نویسندگان اخیر مبتنی بر اشتهار عرفی است

از مجموع آنچه تا حال در مورد حرم همسران رسول خدا - ص - از منابع اصلی و مأخذ معتبر نقل نمودیم، چنین بدست آمد که: اصل این حرم و مدفنی که بعنوان «قبة الزوجات» در داخل بقیع معرفی شده است، دارای اصالت و قدمت تاریخی است که در قرنهای اول به وسیله دیواری که در اطراف آن ایجاد شده بود مشخص می‌گردید. و در نیمه دوم قرن نهم، که فن معماری گسترش یافته بود، برای این حرم نیز گنبد و بارگاه ساخته شده است. و اما تعداد همسران پیامبر که در این محل به خاک سپرده شده‌اند، دقیقاً مشخص نیست. بعضی از مؤرخان و محدثان پیشین؛ مانند کرمانی و ابن نجار، نظرشان این است که چهارتن

در این محل دفن شده‌اند و تعداد چهار قبر هم ارائه شده است. بنابراین آنچه در قرنهای اخیر از سوی بعضی از نویسندگان ارائه شده و این حرم بعنوان مدفن همه هشت تن همسران پیامبر - ص - که در مدینه با آن حضرت زندگی نموده‌اند، معرفی شده و علائمی که بیانگر این تعداد باشد در این حرم نصب گردیده، دلیلی بر تأیید آن در دست نیست بلکه همه این معرفیها مبتنی بر اشتها عرفی و نقل اقوال می‌باشد که معمولاً در این نوع حقایق، که مورد توجه عامه و دارای جنبه قداست و معنویت می‌باشد، در طول سالیان متمادی و با مرور زمان طولانی به وجود آمده است و به این اعتبار که: رسول خدا در مدینه با هشت بانو ازدواج کرده بود و لابد همه آنان در یکجا و در این محل دفن شده‌اند، پدیدار گردیده است.

### و اینک نمونه‌هایی از این نظریه‌ها

- ۱- بطوری که در گفتار فرهاد میرزا ملاحظه گردید، او می‌گوید:  
«قبر همه همسران هشتگانه پیامبر در یک ضریح قرار دارند و نام تک تک آنها هم در روی همان ضریح نصب شده است.»
  - ۲- نایب الصدر شیرازی یکی دیگر از نویسندگان ایرانی در سفرنامه‌اش می‌گوید:  
«زوجات آن حضرت هم آنچه در مدینه وفات یافته‌اند در یک بقعه می‌باشند.»<sup>۹</sup>
  - ۳- علی حافظ، زنده در سال ۱۴۰۵ ه با این که خود از اهالی مدینه منوره است و طبق معمول باید بیش از سایر نویسندگان و سیاحان توجه به جزئیات تاریخی این شهر داشته باشد، ولی بر همین مبنی و بر اساس همین اشتها عرفی، در کتاب خود که در سالهای اخیر و پس از تخریب آثار بقیع تألیف نموده است، در مورد مدفونین در این بقعه چنین می‌نگارد:  
«و در پنج متری قبر عقیل به طرف جنوب، در سمت چپ رهگذر، قبور همسران پیامبر - ص - قرار گرفته است و آنها عبارتند از: ۱- بانو عایشه ۲- بانو سوده ۳- بانو حفصه ۴- بانو زینب ۵- بانو ام سلمه ۶- بانو جویریة ۷- بانو ام حبیبه ۸- بانو صفیه.»<sup>۱۰</sup>
- وی سپس می‌گوید:
- «و اما بانو خدیجه دختر خویلد، در مکه و بانو میمونه در سرف<sup>۱۱</sup> دفن گردیده‌اند.»
- این بود گفتار این نویسندگان در مورد تعداد همسران رسول خدا - ص - که در بقعه یاد شده به خاک سپرده شده‌اند. لیکن بطوری که ملاحظه فرمودید، شواهد و قرائن تاریخی، این

نظریه را نفی و حداقل مورد تردید قرار می‌دهد.

### حرم دختران رسول خدا - ص -

یکی دیگر از حریم‌های تخریب شده، حرم و گنبد و بارگاهی است منتسب به دختران رسول خدا - ص - یعنی زینب، رقیه، و امّ کلثوم.

آنچه از منابع اصلی به دست می‌آید این است که قبر همهٔ دختران سه گانهٔ رسول خدا - ص - بجز حضرت زهرا - سلام الله علیها - در بقیع واقع شده است؛ زیرا گذشته از این که پس از رسمیت یافتن بقیع بعنوان «مدفن عمومی مدینه» به وسیلهٔ رسول خدا - ص - همهٔ اقوام و عشیرهٔ آن حضرت که در حال حیات او، از دنیا رفتند، در بقیع دفن شدند. روایات و نصوص تاریخی نیز مبین این حقیقت، بخصوص در مورد این بانوان می‌باشد.

بیهقی نقل می‌کند که یکی از دختران رسول خدا از دنیا رفت، آن حضرت فرمود: «الحقی بفرطنا عثمان بن مظعون»<sup>۱۲</sup>

ابن شبه مشابه همین حدیث را در مورد رقیه دختر آن حضرت نقل می‌کند که «لَمَّا ماتت رقیة بنت رسول الله - ص - قال رسول الله - ص - الحقی بسلفنا الخیر عثمان بن مظعون»<sup>۱۳</sup>

و از گفتار نویسندگان در قرنهای اخیر، معلوم می‌شود: «علاوه بر این که این سه تن از دختران پیامبر - ص - در کنار بقیع دفن شده‌اند، همهٔ آنان هم در یک محل و در زیر یک سقف و در داخل گنبد و بارگاهی قرار داشته‌اند و قبر هر سه تن در داخل یک ضریح واقع شده بود.»

سید اسماعیل مرندی که در آخر سال ۱۲۵۵ هـ. حرمین را زیارت کرده است، در مورد گنبد و بارگاههای موجود در آن تاریخ می‌گوید:

«و دیگر قبهٔ بنات حضرت رسول خدا - ص - است که همه در یک ضریحند؛ بقول اهل سنت، رقیه، ام کلثوم و زینب، دختران رسول است.»<sup>۱۴</sup>

فرهاد میرزا می‌نویسد:

«خلاصه، در برگشتن، بنات رسول الله - ص - رقیه، ام کلثوم و زینب را زیارت کردم که در یک بقعه است.»<sup>۱۵</sup>

ابراهیم رفعت پاشا از وضع موجود بقیع در زمان خویش و قبل از تخریب آثار آن، عکسی را از بقیع ارائه می‌دهد که تعدادی از قبه‌ها در این عکس مشاهده می‌شود و آنها را بدین ترتیب معرفی می‌کند:

«گنبدی که در سمت راست بیننده واقع شده، گنبد حرم ابراهیم، دومی قبه عقیل، قبه سوم متعلق به همسران پیامبر و چهارمین قبه متعلق به دختران آن حضرت؛ رقیه، ام کلثوم، و زینب می‌باشد.»<sup>۱۶</sup>

علی حافظ که از نویسندگان متأخر است، محل این حرم و قبور دختران پیامبر - ص - را چنین معرفی می‌کند:

«به فاصله ده متر و در سمت غرب، قبور همسران پیامبر و در کنار راه باریکه سیمانی قبور دختران پیامبر را مشاهده می‌کنید و آنها عبارتند از ام کلثوم، رقیه و زینب.»<sup>۱۷</sup>

### تاریخ بنای این حرم

از آنچه ملاحظه فرمودید، بطور اجمال به دست آمد که این سه تن دختران پیامبر - ص - در بقیع و در یک محل و در کنار هم دفن گردیده و هر سه دارای یک قبه و یک ضریح بوده‌اند. و اما این که این قبه در چه تاریخی بنا شده و بانی ساختمان این حرم و ضریح کیست؟ در این زمینه تا حال مطلبی بدست نیامده و در منابعی که در اختیار ماست، سخنی در این مورد گفته نشده است و بعید نیست همانند مطالب تاریخی فراوان در طول قرون متمادی، بدون اهمیت تلقی گردیده و در بوته ابهام و فراموشی قرار گرفته باشد.

### بیوگرافی دختران رسول خدا - ص -

در اینجا به مناسبت سخن از حرم دختران رسول خدا - ص - نگاهی داریم بر تاریخ زندگانی آنان؛ زیرا برای هر فرد مسلمان همانگونه که آشنایی با تاریخ زندگی پیامبر بزرگ اسلام - ص - زیبا، لذت‌بخش و دارای اهمیت است، آشنایی با تاریخ فرزندان آن حضرت هم شیرین و دلپذیر خواهد بود؛ خصوصاً برای زائرین حرمین شریفین و حجاج و معتمرین:

همه فرزندان رسول خدا - ص - اعم از پسر و دختر بجز جناب ابراهیم، از خدیجه - علیها سلام - متولد شده‌اند و آن حضرت دارای چهار فرزند دختر بوده و نام آنها به ترتیب

سن: ۱۸- ۱- زینب ۲- رقیه ۳- ام کلثوم ۴- فاطمه - سلام الله علیها - می باشند.

حضرت فاطمه - ع - گرچه از لحاظ سن کوچکترین دختر رسول خدا است ولی از لحاظ فضیلت و شخصیت برترین آنهاست؛ زیرا گذشته از این که نسل پیامبر - ص - از طریق فاطمه - ع - در پهنه گیتی باقی مانده است، در فضیلت و کرامت این بانوی بزرگ اسلام آیات متعددی نازل گردیده و در تجلیل و تکریم وی احادیث فراوانی نقل شده است که هیچیک از دختران پیامبر - ص - با احترام فوق العاده ای که به مناسبت انتسابشان به رسول خدا، از آن برخوردارند و مورد لطف و محبت آن حضرت بوده اند، دارای چنین فضیلت و مکرمت نیستند و در این زمینه نگاهی اجمالی به منابع تفسیری و حدیثی از شیعه و اهل سنت خواننده را مستغنی و او را با اقیانوس عظیم فضائل این یگانه یادگار رسول خدا آشنا می سازد.

### نظری مختصر و گذرا در مورد سایر دختران پیامبر - ص -

#### ۱- زینب

این بانوی بزرگوار بزرگترین فرزند رسول خدا - ص - یا بزرگترین آنها پس از برادرش قاسم می باشد. موزخان ولادت زینب را در سی سالگی پیامبر و پنج سال پس از ازدواج آن حضرت با خدیجه - علیها سلام - دانسته اند.<sup>۱۹</sup>

مضمون حدیثی که از رسول خدا - ص - نقل شده، گویای عظمت آن بزرگوار است که فرمود: «معاشر الناس ألا اخبرکم بخیر الناس خالاً و خالَةً؟ قالوا: بلی یا رسول الله. قال: الحسن و الحسين خالهما القاسم و خالتهما زینب بنت رسول الله - ص -».<sup>۲۰</sup>

#### ازدواج زینب

رسول خدا - ص - زینب را به همسری ابوالعاص بن ربیع درآورد. نام وی «لقیظ» و مادرش «هاله» خواهر حضرت خدیجه کبری است. او از معدود تجار و ثروتمندان و افراد مورد اعتماد در میان مردم مکه بود.<sup>۲۱</sup>

پس از بعثت پیامبر - ص - ابوالعاص بر خلاف زینب - که مانند حضرت خدیجه به آیین اسلام روی آورد - حاضر به قبول اسلام نگردید و در شرک خود باقی ماند ولی با این





حال به همسرش زینب نیز وفادار بود و به پیشنهاد قریش که او را به جدایی از زینب تشویق می‌نمودند، توجه نمود و علی رغم خواسته آنان، به زندگی خود با زینب ادامه داد. گرچه اسلام عملاً در میان این زن و شوهر جدایی انداخته بود ولی چون رسول خدا - ص - در آن شرایط سخت، قادر بر اجرای این حکم نبود، اسلام زینب - علیها سلام - هم نتوانست موجب جدایی او با ابوالعاص شود.

### اسارت ابوالعاص و آزادی زینب

پس از هجرت رسول خدا - ص - به مدینه و با شروع جنگ بدر، ابوالعاص به همراه مشرکین مکه، در این جنگ شرکت نمود و با گروهی از سپاهیان مکه که تعداد آنها را هفتاد نفر نوشته‌اند، به اسارت مسلمانان درآمده و به مدینه گسیل گردیدند. زینب برای آزادی ابوالعاص به وسیله هیأتی که جهت گفتگو درباره اسرای جنگی عازم مدینه بود. چند قطعه زیورآلات خدمت رسول خدا - ص - فرستاد و از آن حضرت درخواست نمود که در مقابل آنها، همسر وی آزاد شود. در میان این زیورآلات، گردن بند یادگاری خدیجه - علیها سلام - نیز به چشم می‌خورد که پیامبر خدا - ص - با دیدن آن، از خدیجه یاد نمود و در حق وی دعا کرد و تأثر و رقت شدید در قیافه‌اش مشاهده گردید. آنگاه با اصحاب خویش مشاوره و به آنان پیشنهاد نمود که اگر صلاح بدانید اسیر دخترم زینب را آزاد کرده و آنچه از مال دنیا به عنوان عوض فرستاده است، به او برگردانید. صحابه از این پیشنهاد استقبال و اظهار مسرت نمودند و بدینگونه ابوالعاص پس از مدتی اسارت در دست مسلمانان، آزاد و به سوی مکه رهسپار گردید و گردن بند یادگاری خدیجه را به زینب بازپس داد. ولی رسول خدا - ص - بهنگام آزادی ابوالعاص با وی شرط نمود که از این پس زینب را در هجرت به مدینه آزاد بگذارد و او هم بر تعهد خود عمل نمود و با رسیدن به مکه زینب را به همراهی برادرش کنانه بن ربیع راهی مدینه ساخت.

### حمله مشرکان به کجاوه زینب

زینب پس از تحمل رنج فراوان و لطمه شدید از سوی مشرکان، بهنگام خروج و مراجعت به مکه، برای دومین بار به سوی مدینه هجرت و به پدر بزرگوارش ملحق گردید.

مورخان از این رنج و ناراحتی زینب و مراجعت او، یاد نموده‌اند؛ از جمله محمد بن اسحاق مورخ و سیره نویس معروف می‌گوید:

کنانه بن ربیع بنا به درخواست برادرش ابوالعاص، زینب را در کجاوه‌ای نشانند و به سوی مدینه حرکت نمود، عده‌ای از قریشیان که از این موضوع مطلع شدند او را تعقیب کرده و در بیرون مکه در محلی بنام «ذی طوی» بدو رسیدند و از اولین کسانی که به کجاوه زینب حمله نمودند «هبار بن اسود» و «نافع بن عبدالقیس فهری» بودند که هبار با نیزه به کجاوه زینب فشار آورد و او، در حالی که حامله بود، از بالای شتر به روی تخته سنگی افتاد و در اثر فشار جسمی و رعب و ترسی که بر وی وارد گردید، سقط جنین نمود و به عارضه خونریزی دچار شد که تا آخر عمرش ادامه داشت. ابن اسحاق اضافه می‌کند: به خاطر این جنایت و قساوت قلب (هبار) بود که رسول خدا - ص - بهنگام فتح مکه مسلمانان را در کشتن وی آزاد گذاشت.<sup>۲۲</sup>

ابن ابی الحدید می‌گوید:

«از کسانی که در حمله به کجاوه زینب و در جلوگیری از سفر او به مدینه شرکت داشت، عمرو بن عاص بود و چون خبر این جنایت به پیامبر رسید، به شدت متأثر گردید و بر این افراد لعن و نفرین نمود.»<sup>۲۳</sup>

واقدی می‌گوید:

«کنانه با دیدن منظره حمله به کجاوه زینب، آماده تیراندازی و دفاع از وی گردید و قریشیها به شهر بازگشتند.»<sup>۲۴</sup>

واقدی اضافه می‌کند: ابوسفیان که جزء شرکت کنندگان در این جریان بود، خطاب به

کنانه چنین گفت:

«تو در این اقدام خود اشتباه کرده و تصمیم نابخوبایی گرفته‌ای که دختر محمد را در روز روشن و در مقابل چشم اهل مکه از این شهر بیرون کرده‌ای، مگر نمی‌دانی از سوی پدرش چه فشاری بر ما وارد شده و چگونه ما را تحقیر و خدایان ما را اهانت نموده است! آیا این عمل تو تحقیر و اهانت مجدد بر ما نیست؟! به خدا سوگند جلوگیری از سفر این زن دردی را دوا نمی‌کند و ما کوچکترین اعتنایی بر او نداریم ولی هیچ عمل تحقیرآمیز را هم تحمل نمی‌کنیم او را به مکه برگردان و می‌توانی مخفیانه و بدور از چشم مردم

راهی مدینه کنی.»

و بدینگونه کنانه زینب را به مکه بازگرداند و پس از مدتی شبانه مجدداً به مدینه حرکت داد و به رسول خدا - ص - لاحق گردید.<sup>۲۵</sup> بلاذری نقل می‌کند: «هبار» بهنگام فتح مکه، از ترس جاننش فرار نمود و بعدها در مدینه به حضور رسول خدا رسید و شهادتین را بر زبان جاری و اسلام خود را اعلان نمود. رسول خدا - ص - فرمود: دیگر کسی متعرض «هبار» نشود، حتی سلمی کنیز آن حضرت هبار را نکوهش کرد و به وی گفت: «لَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِكَ عَلَيْنَا»؛ «قدمت مبارک مباد.» پیامبر پاسخ داد: «مَهْلًا فَقَدْ مَحَا الْإِسْلَامَ مَا قَبْلَهُ»؛ «آرام باش، اسلام گذشته‌ها را به فراموشی سپرده است.»

### ورود شبانه ابوالعاص به مدینه

ابوالعاص در اوائل سال هشتم هجرت و قبل از فتح مکه، به همراه عده‌ای از تجار مکه، با سرمایه خود و اموال قریش به سوی شام حرکت نمود. این قافله تجارتي بهنگام مراجعت، در نزدیکیهای مدینه با گروهی از مسلمانان مواجه و از ترس جانشان مال التجاره را رها و خود فرار نمودند ولی ابوالعاص برای بازپس گرفتن اموال خود، شبانه و مخفیانه وارد مدینه شد و به نزد زینب رفت و از وی پناه خواست تا مورد تعرض مسلمانان واقع نشود. زینب هم به وی پناه داد و روز بعد در حالی که رسول خدا - ص - و مسلمانان مشغول نماز صبح بودند، از میان صفوف بانوان آنان را بدینگونه مورد خطاب قرار داد: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي زَيْنَبُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ، أَجْرْتُ أَبَا الْعَاصِ بْنِ رَبِيعٍ»؛ «ای مردم! من دختر پیامبرم و ابوالعاص را پناه داده‌ام.»

رسول خدا - ص - پس از اتمام نماز فرمود: مردم! آنچه من از زینب شنیدم شما هم شنیدید؟ گفتند: بلی، فرمود: به خدا سوگند من از ورود ابوالعاص خبر نداشتم تا این که از زبان زینب شنیدم همانگونه که شما شنیدید. آنگاه فرمود: «يَجِيرُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ أَدْنَاهُمْ»؛ «کمترین مسلمانان، حق پناه دادن بر مشرکین را دارد و بر همه مسلمانان لازم است این حق را مراعات و بر تعهد وی عمل کنند.»<sup>۲۶</sup>

سپس به خانه زینب رفت و بر وی توصیه فرمود که احترام ابوالعاص را حفظ کن ولی چون او مشرک و بر تو حرام است با او خلوت نکن. آنگاه دستور داد مسلمانان تمام اموال او را

بدو برگردانند و در غیر این صورت پیمان شکنی خواهد بود.

### اسلام ابوالعاص

ابوالعاص راهی مکه گردید و پس از تحویل دادن اموال و امانت‌های مردم، اسلام را پذیرفت و مجدداً به سوی مدینه حرکت نمود. رسول خدا به زینب دستور داد که به خانه ابوالعاص برگردد و مانند گذشته برای او همسری وفادار باشد و بدینگونه، این زوج پس از شش سال مفارقت در پرتو اسلام، به زندگی مشترک خود دست یافتند و در صف سایر مهاجرین قرار گرفتند.

### تاریخ و علت وفات زینب

بنابر مشهور، زندگی مجدد زینب و ابوالعاص کوتاه و بیش از چند ماه نبود؛ زیرا در اواخر سال هشتم هجرت بدرود حیات گفت و با حضور و شرکت رسول خدا تشییع و در بقیع به خاک سپرده شد و ابوالعاص در سال دوازده و به فاصله چهار سال از وفات همسرش، از دنیا رفت.

از نظر مورخان، وفات زینب در اثر همان عارضه خونریزی که قبلاً نقل نمودیم بوقوع پیوسته است، که بهنگام خروج از مکه مورد تهاجم مشرکان قرار گرفت و در اثر سقوط به روی تخته سنگ و سقط جنین و در اثر رعب و ترس، این عارضه در وی بوجود آمد و تا آخر عمر ادامه داشت تا از دنیا رفت.

### فرزندان زینب

زینب از ابوالعاص دارای دو فرزند بود؛ یکی پسر بنام «علی» که در اوائل جوانی از دنیا رفت و دیگری دختر بنام «امامه» که طبق وصیت حضرت زهرا - سلام الله علیها - امیر مؤمنان - علیه السلام - با وی ازدواج نمود.<sup>۲۷</sup>

### ۲- رقیه

دومین دختر پیامبر - از نظر سن - رقیه است. رقیه در مکه با یکی از فرزندان ابولهب



بنام عتبه ازدواج کرده بود، همانگونه که خواهرش ام کلثوم به همسری فرزند دیگر ابولهب بنام عتبه درآمده بود و چون سوره مبارکه: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ» در نکوهش ابولهب نازل گردید. او فرزندان خویش را مجبور کرد تا با دختران پیامبر متارکه کنند و به خیال خود در مقابل نکوهش قرآن که از وی به عمل آورده است، او هم با این عمل خویش رسول خدا را در فشار روحی قرار دهد.<sup>۲۸</sup> پس از متارکه در میان دختران رسول خدا پسران ابولهب، رقیه به همسری عثمان درآمد و چون عده‌ای از مسلمانان در اثر فشار مشرکان مکه، مجبور شدند به حبشه هجرت کنند، رقیه هم به همراه عثمان به حبشه هجرت نمود و پس از مراجعت به مکه راهی مدینه شد و جزء مهاجرین این شهر گردید.

در بعضی از منابع نقل شده است که رقیه از عثمان دارای فرزندی شد بنام عبدالله و در ماه جمادی‌الأولی سال چهارم هجرت، در شش سالگی در اثر عارضه‌ای که در چشم او بوجود آمد، از دنیا رفت و بعضی می‌گویند: در دوران شیرخواری از دنیا رفت، ولی قتاده اصل موضوع را تکذیب نموده و می‌گوید: همانگونه که ام کلثوم از عثمان دارای فرزند نشد، رقیه هم از وی فرزندی به دنیا نیاورده است.<sup>۲۹</sup>

به هر حال، بطوری که اشاره نمودیم، رقیه پس از مراجعت از حبشه، به همراهی عثمان وارد مدینه گردید و بنا به نقل محب‌الدین طبری از ابن قتیبه پس از یکسال و ده ماه و بیست روز از ورود رسول خدا - ص - به مدینه، با مرض حصه از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد.

### ۳- ام کلثوم

سومین دختر رسول خدا - ص - ام کلثوم است. او با همین کنیه معروف شد و هیچیک از مورخان نام او را ذکر نکرده‌اند.

### داستان شیر زرقا

بطوری که در شرح حال رقیه اشاره گردید، این دو تن از دختران رسول خدا - ص - با دو تن از فرزندان ابولهب بنام عتبه و عتبه ازدواج کرده بودند ولی پس از نکوهش ابولهب از زبان وحی، او به فرزندانش دستور داد از دختران پیامبر جدا شوند و آنها دستور پدرشان را اجرا

کرده و از دختران پیامبر جدا شدند.

ولی مورخان و محدثان درباره عتیبه مطلب و حادثهٔ جالبی نقل نموده‌اند که می‌توان آن را بعنوان یکی از معجزات رسول خدا - ص - در اختیار خوانندگان ارجمند قرار داد و آن حادثه این است: با آن که عتیبه حاضر به زندگی با ام کلثوم نگردید، باز هم شعلهٔ کینه و عداوتش نسبت به رسول خدا خاموش نشد و تصمیم گرفت عناد و لجاجت خویش را به طریق دیگری اعمال کند. او در حالی که برای تجارت با عده‌ای عازم سفر به شام بود نزد رسول خدا - ص - رفت و خطاب به آن حضرت گفت: «**كفرت بدینك وفارقت ابنتك لاتحبینی ولا احبک**»؛ «دیدم چگونه آیین تو را نپذیرفتم و دخترت را طلاق گفتم؟! من با تو دشمنم همانگونه که تو با من دشمنی.» آنگاه جسارت و بی‌ادبی را به آنجا رساند که از لباس پیامبر گرفت و با شدت به سوی خود کشید؛ بطوری که یقهٔ آن حضرت پاره گردید. رسول خدا در پاسخ این جسارت و بی‌ادبی عتیبه، چنین فرمود: «**اما انی اسئل الله ان یسلط علیک کلبه**»؛ «من هم از خدا می‌خواهم سگی را بر تو مسلط کند.»

عتیبه پس از این جریان مکه را به سوی شام ترک نمود تا این که شبی در گوشه‌ای از بیابان شامات، بنام «زرقا» در حالی که به استراحت پرداخته بودند، مورد حمله شیر قرار گرفت و بدن او در زیر پنجه‌های قوی او تکه تکه گردید و نفرین رسول خدا - ص - در مورد او به اجابت رسید.<sup>۳۰</sup>

### مرگ ام کلثوم

به هر حال، ام کلثوم در سال نهم هجرت در مدینه بدرود حیات گفت و رسول خدا - ص - در تشییع دخترش شرکت کرد و بر پیکر او نماز خواند. در کتب تاریخ و رجال اهل سنت، نقل شده است که رسول خدا - ص - به هنگام دفن ام کلثوم فرمود: «**فیکم أحدکم بقارف اللیلة**»<sup>۳۱</sup> یا «**من لم یقارف اللیلة فلیدخل**»<sup>۳۲</sup>

از میان جمع حاضر که عثمان نیز جزء آنها بود، سه تن اعلام آمادگی نموده و داخل قبر شدند: امیر مؤمنان - ع -، فضل بن عباس و اسامه بن زید و بدینگونه مراسم خاکسپاری پیکر ام کلثوم انجام پذیرفت. این موضوع در منابع حدیثی اهل سنت در طی حدیثهای متعدد

و با مختصر تفاوت در متن آن، نقل گردیده است. در متن بعضی از این احادیث به جای «ام کلثوم»، «رقیه» آمده است و در بعضی از آنها بدون ذکر نام و «ابنة لرسول الله» عنوان شده است.<sup>۳۳</sup> ولی همزمان بودن فوت رقیه با جنگ بدر و دفن پیکر او قبل از مراجعت رسول خدا - ص - صحت نظر علمای تراجم است و وقوع این جریان به هنگام دفن ام کلثوم را تأیید می‌کند.

### دختران یا ربیبه‌های رسول خدا - ص -

از بیوگرافی این سه تن از دختران رسول خدا - ص - خلاصه آنچه در منابع معروف نقل شده است، در اختیار خواننده عزیز قرار دادیم و گفتنی‌های فراوانی را که جنبه تحقیق و نیاز به بررسی عمیق علمی و تاریخی دارد و از محدوده یک مقاله خارج است، به محل دیگر موکول می‌کنیم و یکی از آنها گفتار و نظریه ابوالقاسم علوی کوفی<sup>۳۴</sup> است که او می‌گوید: «زینب و رقیه که قبل از اسلام با ابوالعاص و عثمان بن عفان ازدواج کرده بودند، نه دختران رسول خدا بلکه ربیبه‌های آن حضرت بودند و بر این نظریه خویش، دلائلی آورده و مطالبی عنوان نموده است<sup>۳۵</sup> و اخیراً یکی از علمای معاصر<sup>۳۶</sup> در همین زمینه کتابی تألیف نموده و گفتار ابوالقاسم علوی را مبنای بحث و مورد تأیید قرار داده و نکات جالبی را بر آن افزوده است. ولی مرحوم مامقانی این نظریه را بی‌اساس دانسته و با ذکر دلائلی به رد آن پرداخته است.<sup>۳۷</sup> و الکلام ذو شجون.

**پی نوشتها:**

- ۱- وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۱۷
- ۲- سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۱۵۶
- ۳- شمس‌الدین محمد بن یوسف کرمانی فقیه اصولی، محدث، مفسر و متکلم. دارای تألیفات متعدّد؛ از جمله شرح بر صحیح بخاری و حاشیه بر تفسیر بیضاوی و کتاب مناسک حج است. معجم المؤلفین عمر رضا کحاله.
- ۴- تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۱۷۶
- ۵- اخبارالمدینه، ابن نجار، ص ۱۵۴
- ۶- وفاء الوفا، ج ۳، ص ۹۱۷
- ۷ و ۸- تاریخ‌المدینه ابن شبه، ج ۱، ص ۱۲۰ این دو روایت را با تفاوت مختصر سمهودی در ج ۳، ص ۹۱۷ و ابن نجار در ص ۱۵۵ آورده است.
- ۹- سفرنامه نایب‌الصدر، ص ۲۲۹. سفر وی به حرمین شریفین در سال ۱۳۰۵ بوده است.
- ۱۰- معجم‌البلدان می‌گوید: سرف (بفتح اول و کسر ثانی) محلی است که به فاصله شش میل و بنا به قولی بفاصله دوازده یا نوزده میل از مکه واقع شده است که میمونه همسر پیامبر -ص- در این محل از دنیا رفته و در آنجا به خاک سپرده شده است.
- صاحب مرآت حرمین می‌گوید: قبر بانو میمونه در سرف دارای قبه‌ای است.
- ۱۱- فصول من تاریخ‌المدینه، ص ۱۶۸
- ۱۲- سنن بیهقی ج ۴، ص ۷۶
- ۱۳- ابن شبه، تاریخ‌المدینه، ج ۱، ص ۱۰۲
- ۱۴- توصیف‌المدینه به نقل فصلنامه «مقیات حج»، ش ۵، ص ۱۱۸.
- ۱۵- سفرنامه فرهاد میرزا، ص ۱۵۶
- ۱۶- مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۶
- ۱۷- فصول من تاریخ‌المدینه، ص ۱۶۸
- ۱۸- اسدالغابه، ج ۵، ص ۴۵۶: الاصابه، ج ۴، ص ۳۰۴
- ۱۹- اسدالغابه، ج ۵، ص ۴۶۷: الاصابه، ج ۴، ص ۲۹۹
- ۲۰- تنقیح‌المقال، ج ۳، باب الکنی و الالقاب، ص ۷۹
- ۲۱- ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۴، ص ۱۸۹
- ۲۲- ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۴، ص ۱۹۲
- ۲۳- همان، ج ۶، ص ۲۸۲
- ۲۴- ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۴، ص ۱۹۳
- ۲۵- شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۴، ص ۱۹۳
- ۲۶- اسدالغابه، ج ۵، ص ۲۳۷: شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۴، ص ۱۹۵



- ۲۷- اسدالغابه، ج ۵، ص ۴۶۷
- ۲۸- اسدالغابه، ج ۵، ص ۴۵۶ و ۶۱۲: الإصابة، ج ۴، ص ۳۰۴: استيعاب، ج ۴، ص ۲۹۹
- ۲۹- اسدالغابه ج ۵، ص ۴۵۶ و ج ۴، ص ۳۰۰: الإصابة ۳۰۴/۴
- ۳۰- ذخائر العقبی، ص ۱۶۴
- ۳۱- استيعاب، ج ۴، ص ۴۸۷: الإصابه ۴۸۹۴: اسدالغابه، ج ۵، ص ۱۲؛ تنقيح المقال، ج ۳، فصل النساء؛ البداية و النهاية، ج ۵، ص ۳۰۷
- ۳۲- همانگونه که در بعضی از این احادیث به صراحت آمده است: «من لم يقارف الليل اهله فيدخل»؛ یعنی هر کس با همسرش همبستر نگردیده داخل قبر شود.
- ۳۳- به متن احادیث در صحیح بخاری، کتاب الجنائز، باب من يدخل قبر المرأة، ح ۱۲۷۷؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۲۶، ۱۲۷ و ۲۷۰ مراجعه شود.
- ۳۴- سید ابوالقاسم علی بن احمد بن موسی ابن الإمام محمد بن علی بن موسی بن جعفر - علیهم السلام - متوفای جمادی الاولی ۳۵۲ در ناحیه کرمی فسا، از شهرهای فارس، او دارای تألیفات متعدد؛ از جمله کتاب الاستغاثه است که در دو جزء و در یک مجلد چاپ شده است.
- ۳۵- الاستغاثه، ج ۱، ص ۷۶-۶۴
- ۳۶- وی نویسنده و محقق جناب آقای سید جعفر مرتضی عاملی است و کتاب او تحت عنوان «بنات النسبی أم ربائبه» همانند سایر تألیفاتش بر نقاط تاریکی از تاریخ پرتو افکنی می‌کند.
- ۳۷- تنقيح المقال، ج ۳، فصل النساء، ص ۷۹